

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جایگاه قرآن در آموزش و پرورش

دبیرستان حضرت فاطمه

آموزش و پرورش منطقه ۷ تهران

فهرست

مقدمه

آیه ۲۱ و ۲۰

آیه ۴۳ و ۴۲

آیه ۶۵ و ۶۴

آیه ۸۷ و ۸۶

آیه ۱۰۹ و ۱۰۸

آیه ۱۲ و ۱۱

آیه ۱۴ و ۱۳

آیه ۱۶ و ۱۵

آیه ۱۸ و ۱۷

آیه ۲۰ و ۱۹

آیه ۲۲ و ۲۱

آیه ۲۴ و ۲۳

آیه ۲۶ و ۲۵

آیه ۲۸ و ۲۷

آیه ۲۹ و ۳۰

آیه ۳۰ و ۳۱

منبع: تفسیر نمونه اثر استاد مکارم شیرازی

تفسیر سوره ی دهر (انسان)

این سوره در مدینه نازل شده و ۳۱ آیه دارد

محتوای سوره: این سوره از یک نظر به پنج بخش تقسیم می شود:

در بخش اول از آفرینش انسان و خلقت او از نقطه ی امشاج (مختلط) و سپس هدایت و

آزادی اراده ی او سخن می گوید

در بخش دوم سخن از پاداش ابرار و نیکان است که شان نزول خاصی در مورد اهل بیت (ع)

دارد که به آن اشاره خواهد شد.

در بخش سوم دلایل استحقاق این پاداش ها را در جمله هایی کوتاه و موثر باز گو می کند

در بخش چهارم به اهمیت قرآن و طریق اجرای احکام و راه پر فراز و نشیب خود سازی

اشاره شده

در بخش پنجم سخن از حاکمیت مشیت الهی (درمین مختار بودن انسان) به میان آمده

است

برای این سوره نامهای متعددی است که مشهورترین آن ها سوره ی انسان و سوره ی (هر) و سوره ی (هل اتی) است که هر کدام از آن ها از یکی از کلمات اوائل سوره گرفته شده

هر چند در روایاتی که بعداً در فصیلت سوره می خوانیم تنها از (هل اتی) یاد شده

فصیلت تلاوت سوره : در حدیثی از پیغمبر (ص) آمده است (کسی که سوره ی هل اتی را

بخواند پاداش او بر خداوند بهشت و لباس های بهشتی است)

در حدیثی از امام باقر (ع) آمده که (یکی از پادشاههای کسی که سوره هل اتی را در صبح

پنج شنبه بخواند این است که در قیامت با پیغمبران اکرم (ص) خواهد بود)

بسم الله الرحمن الرحيم به نام خداوند بخشنده ی بخشايندگار

(آیه ۱) به این که بیشترین بحث های این سوره پیرامون قیامت و نعمت های بهشتی است

ولی در آغاز آن سخن از آفرینش انسان است چرا که توجه به این آفرینش زمینه ساز توجه

به قیامت و رستاخیز است ، می فرماید : آیا (چنین نیست که) زمانی طولانی بر انسان

گذشت که چیز قابل ذکری نبود

هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً

منظور از انسان در اینجا نوع انسان است و عموم افراد بشر را شامل می شود.

(آیه ۲) بعد از این مرحله نوبت آفرینش انسان، و موجود قابل ذکر شدن است. می فرماید:

ما انسان را از نقطه ی مختلطی آفریدیم و او را می آزماییم (بدین جهت او شنوا و بینا قرار

دادیم) (انا خلقنا الانسان من نطفه امشاج نبتليه فجعلناه سميعاً بصيراً)

آفرینش انسان از نقطه ی مخلوط ممکن است اشاره به اختلاط نطفه ی زن و مرد و ترکیب

اسپرم و اوول بوده باشد همان گونه که در روایت اهل بیت (ع) اجمالاً به آن اشاره شده .

یا اشاره به استعداد های مختلفی که در درون نطفه از نظر عامل وراثت از طریق ژن ها و

مانند آن وجود دارد، و یا اشاره به اختلاط مواد ترکیبی نطفه است چرا که از دهها ماده

مختلف تشکیل یافته و یا اختلاط همه ی این ها با یکدیگر

معنی اخیر از همه جامع تر و مناسبتر است.

جمله ی (نبتلیه) اشاره به رسیدن انسان به مقام (تکلیف و تعهد و مسئولیت و آزمایش و

امتحان) است و از آن جا که آزمایش و تکلیف بدون آگاهی ممکن نیست، در آخر آیه

اشاره به ابراز شناخت و چشم و گوش می کند که در اختیار انسان ها قرار داده است.

(آیه ۳) از آن جا که تکلیف و آزمایش انسان علاوه بر مسئله آگاهی و ابراز شناخت نیاز

به دو عامل دیگر یعنی هدایت و اختیار دارد - این آیه به آن اشاره کرده می فرماید (ماراه را

به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس) (انا هدیناه السبيل اما شاکراً و اما

کفوراً)

هدایت : در اینجا معنی و وسیع و گسترده ای دارد که هم هدایت تکوینی را شامل می شود و هم هدایت فطری و هم تشریعی را هر چند سوق آیه بیشتر روی هدایت تشریعی است.

(آیه ۴) در این آیه اشاره ی کوتاه و پرمعنایی به سر نوشت کسانی که راه کفر و کفران را می پویند کرده و می فرماید: (ما برای کافران زنجیر هلا و غلها و شعله های سوزان آتش آماده کرده ایم)

(انا اعتدنا للكافرين سلاسل اغلا لا و سعيراً)

ذکر غل و زنجیر و سپس شعله های سوزان آتش بیان گر مجازات عظیم این گروه است که در آیات ذکر قرآن نیز به آن اشاره شده و عذاب و اسارت در آن جمع است.

(آیه ۵) شان نزول : سندی بزرگ بر فضیلت اهل بیت پیامبر (ص)

ابن عباس می گوید : حسن و حسین (ع) بیمار شدند، پیامبر (ص) با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند و به علی (ع) گفتند : ای ابوالحسن ! خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می کردی

علی (ع) و فاطمه (ع) و فضه که خادمه ی آن ها بود نذر کردند که اگر آن ها شفا یابند سه روز ، روزه بگیرند

چیزی نگذشت که هر دو شفا یافتند، درحالی که از نظر مواد غذایی دست خالی بودند علی (ع) سه من جو قرض نمود و فاطمه (ع) یک سوم آن را آرد کرد و نان پخت هنگام افطار

سائلی بر در خانه آمد و گفت : السلام علیکم اهل بیت محمد (ص) : سلام بر شما ای خاندان محمد ! مستمندی از مستمندان مسلمان هستم غذایی به من بدهید.

آنان همگی مسکین را بر خود مقدم داشتند و سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب نوشیدند روز دوم هم چنان روزه گرفتند و موقع افطار وقتی که غذایی را آماده کرده بودند (همان نان جویی) یتیمی بر در خانه آمد آن روز نیز ایثار کردند و غذای خود را به او دادند (بار دیگر با آب افطار کردند و روز بعد را نیز روزه گرفتند)

در سومین روز سپری به هنگام غروب آفتاب بر در خانه آمد باز هم سهم غذای خود را به او دادند هنگامی که صبح شد علی (ع) دست حسن و حسین (ع) را گرفته بود و نزد پیامبر (ص) آمدند و پیامبر (ص) آنان را مشاهده کرد، دید از شدت گرسنگی می لرزند. فرمود این حالی را که در شما می بینم برای من بسیار گران است و سپس بر خواست و با آنها حرکت کرد هنگامی که وارد خانه ی فاطمه (ص) شد دید در محراب عبادت ایستاده در حالی که از شدت گرسنگی شکم او به پشت چسبیده و چشمانش بر گودی نشسته پیامبر (ص) ناراحت شد و در همین هنگام جبرئیل نازل گشت و گفت ای محمد این سوره را بگیر،

خداوند با چنین خانه ای به تو تهنیت می گوید سپس سوره ی (هل اتی) را بر او خواند بعضی گفته اند که آیه ی (ان الابرار) تا آیه ی (کان سعیکم مشکوراً) که مجموعاً هیجده آیه است در این موقع نازل گشت

آن چه در بالا آوردیم بض حدیثی است که با کمی اختصار در الغدیر آمده است و در همان کتاب ۳۴ نفر از علمای معروف اهل سنت نام می برد که این حدیث را در کتاب های خود آورده اند

به این ترتیب روایت فوق از روایتی است که در میان اهل سنت مشهور بلکه متواتر است. و اما علمای شیعه همه اتفاق نظر دارند که این ۱۸ آیه یا مجموع این سوره در ماجرای فوق نازل شده است و همگی بدون استثناء در کتب تغیر یا حدیث روایت مربوط به آن را به عنوان یکی از افتخارات و فضایل مهم علی (ع) و فاطمه زهرا و فرزندان شان (ع) آورده اند.

تفسیر پاداش عظیم ابرار: در آیات گذشته بعد از آن که انسان ها را به دو گروه بشا کر و کفور یا شکر گزار و کفران کننده تقسیم کرد اشاره ای کوتاهی به مجازات و کیفر سخت کفران کنندگان آمده بود، در این جا به سراغ پاداش های شکر گزاران و ابرار (نیکان و پاکان) می رود و نکات جالبی در این زمینه یاد آوری می کند نخست می فرماید به یقین ابرار از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است (ان الا برار یشربون من کاس کان مزاجها کافوراً)

آیه ی فوق نشان می دهد که این شراب طهور بهشتی بسیار معطر و خوشبو است و هم ذائقه از آن لذت می برد و هم شامه

(آیه ی ۶) سپس بر سرچشمه ای که این جام شراب از آن پر می شود اشاره کرده و می افزاید از چشمه ای که بندگان خاص خدا از آن می نوشند و از هر جا بخواهند آن را جاری می سازند (علینا یشرب بها عباد الله یفجرونها تفجیراً)

آری! این که در حدیثی از امام باقر (ع) نقل شده که در توصیف آن فرمود: این چشمه ای است در خانه ی پیغمبر اسلام (ص) که از آن جا بر خانه سایر پیامبران و مومنان جاری می شود.

آری! همان گونه که در دنیا چشمه های علم و رحمت از خانه ی پیامبر (ص) به سوی بندگان خدا و نیکان سرازیر می شود در آخرت که تجسم بزرگی از این برنامه است چشمه شراب طهور الهی از همین بیت و حی می جوشد و شاخه های آن به خانه های مومنان سرازیر می گردد او با نوشیدن از این شراب هر گونه اندوه و ناراحتی و ناخالصی را از درون جان خود می شویند

(آیه ۷) در آیات بعد به ذکر اوصافی اعماق که (اجرای و عبادالله دارند، پرداخته ، و با ذکر پنج وصف دلیل استحقاق آن ها را نسبت به این همه نعمتهای بی مانند توضیح داده، می فرماید آن ها به نذر خود وفا می کنند (یوفون بالنذر) و از روزه که از شر و عذاب گسترده است بیمناکند (و یخافون یوماً کان شره مستطیراً)

ترس آنان از شر آن روز بزرگ اشاره به ایمانشان به مسئله معاد و احساس مسئولیت شدید در برابر فرمان الهی است

(آیه ۸) سپس به ذکر سومین عمل شایسته پرداخته می گوید، غذای خود را با این که به آن علاقه (و نیاز) دارند به مسکین و یتیم می دهند (یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمّاً و اسیراً)

اطعام کردن آنها ساده نیست بلکه توأم با ایثار در هنگام نیاز شدید است و از سوی دیگر اطعامی است گسترده که انواع نیازمندان را از مسکین و یتیم و اسیر شامل می شود به این ترتیب رحمتشان عام و خدمتشان گسترده است. ضمناً از آیه ی فوق به خوبی استفاده می شود که یکی از بهترین اعمال اطعام محرومین و نیازمندان است، نه تنها نیازمندان مسلمان که اسیر بلاء شرک نیز تحت پوشش این دستور اسلامی قرار گرفته، تا آن جا که اطعام آن ها یکی از کارهای برجسته ی ابرار شمرده شده است.

(آیه ۹) این آیه چهارمین عمل برجسته ی ابرار اخلاص می شمرد و می فرماید: آنها می گویند: ما شما را تنها به خاطر خدا اطعام می کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم (انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکوراً)

این برنامه منحصر به مسئله ی اطعام نیست که اعمالشان مخلصانه و برای ذات پاک خداوند است و هیچ چشم داشتی به پاداش مردم و حتی تقدیر و تشکر آنها نیست و اصولاً در اسلام

ارزش عمل به خلوص نیت است و گرنه اعمالی که انگیزه‌ی غیر الهی داشته باشند هیچ گونه ارزش معنوی و الهی ندارند

(آیه ۱۰) و در آخرین توصیف (ابرار) می فرماید: آنها می گویند ما از پرودگارمان خائفیم از آن روز که عبوس و سخت است (انا نخاف من ربنا يوماً عبوساً قمطيراً)

تعبیر از روز قیامت به روز عبوس (سخت) با این که عبوس از صفات انسان است به کسی می گویند که قیافه اش را در هم کشیده و به خاطر تاکید بر وضع وحشتناک آن روز است یعنی آن قدر حوادث آن روز سخت و ناراحت کننده است که نه تنها انسان ها از آن روز عبوسند بلکه گویی خود آن روز نیز عبوس است

(آیه ۱۱) در این آیه به نتیجه‌ی اجمالی اعمال نیک و نیات پاکی که ابرار دارند اشاره کرده می فرماید به خاطر این عقیده و عمل خداوند آنان را از شر آن روز ننگه می دارد و آن ها را می پذیرد در حالی که غرق شادی و سرو برند (فوفیثم الله شر ذلک الیوم ولقیهم نصره و سروراً) بنابر این اگر در دنیا به خاطر احساس مسئولیت از آن روز بیمناک بودند: خداوند در عوض آنها را در آن روز غرق شادمانی و سرور می کنند

(آیه ۱۲) پادشاهای عظیم بهشتی: بعد از اشاره اجمالی در آیات گذشته به نجات (ابرار و نیکان) از عذاب های دردناک روز قیامت و رسیدن آنها به لقای محبوب در این جا به شرح این نعمتها ی بهشتی پرداخته و حداقل پانزده نعمت را در طی این آیات بر می شمرد:

نخست از مسکن و لباس این بهشتیان سخن می گوید، می فرماید: خداوند (در برابر صبرشان بهشت و لباس های حریر بهشتی را به آن ها پاداش می دهند)

(و جزیه هم بما صبروا جنة و حریراً)

نه تنها در این آیه، که در آیات دیگر قرآن نیز به این حقیقت تصریح شده که پاداش های قیامت در مقابل صبر و شکیبایی انسان است. صبر در طریق اطاعت، صبر در برابر معصیت و صبر و استقامت در برابر مشکلات و مصایب . در آیه ۲۴ سوره ی رعد می خوانیم، فرشتگان به بهشتیان چنین خوشامد می گویند: (سلام علیکم بما صبرتم) درود بر شما به

خاطر صبر و استقامتی که داشتید

(آیه ۱۳) سپس می افزاید: این در حالی است که در بهشت بر تخت های زیبا تکیه کرده اند نه آفتاب را در آن جا می بیند و نه سرما را (متکئین فیها علی الا رائک لا یرون فیها شمساً و لا زمهریراً)

نه این که خورشید و ماه در آن جا وجود نداشته باشد، بلکه تابش ناراحت کننده ی خورشید وجود ندارد، با وجود سایه های درختان بهشتی.

(آلوی) مفسر معروف اهل سنت در (روح المعانی) در حدیثی از ابن عباس چنان نقل می کند هنگامی که بهشتیان در بهشت هستند ناگهان نوری هم چون نور آفتاب مشاهده می کنند که صحنه ی بهشت را روشن ساخته، بهشتیان به رضوان (فرشته ی مأموریت بهشت)

می گویند: این نور چیست با این که پروردگار می فرموده در بهشت نه آفتاب را می بینند و نه سرما را؟

او در پاسخ می گوید: این نور خورشید و ماه نیست، ولی علی (ع) و فاطمه (ع) خندان شده اند و بهشت از نور دندانیشان روشن گشته است!

(آیه ۱۴) در ادامه ی این نعمت ها می افزاید: در حالی است که سایه های درختان بهشتی بر آن ها فرو افتاده ، و چیدن میوه هایش بسیار آسان است (و دانیه علیهم ظلالها و ذلت فطوفها تذلیلاً)

نه مشکلی وجود دارد، نه خاری در دست می رود، و نه احتیاج به تلاش و حرکتی برای چیدن میوه هاست

(آیه ۱۵) در این آیه به توضیح قسمتی از چگونگی پذیرایی از این میهمانان بهشتی خدا و وسایل پذیرایی آن ها ، و پذیرایی کنندگان پرداخته ، می فرماید: و در گرداگرد آن ها ظرفهایی سیمین و قدحهایی بلورین می گردانند پر از بهترین غذاها و نوشیدنی ها (و یطاف علیهم با انبیه من فضه و اکواب کانت قواریرا)

(آیه ۱۶) ظرف های بلورین از نقره که آنها را به اندازه ی مناسب آماده کرده اند. (قواریرا من فضه قدروها تقدیراً)

در این ظرف های انواع غذا های بهشتی و در آن قدهای بلورین انواع نوشیدنی های لذت بخش و نشاط آفرین، بر مقداری که می خواهند وعلاقه دارند موجود است، و خدمتکاران بهشتی پیوسته گرد آن ها دور می زنند و به آن ها عرضه می کنند.

(آیه ۱۷) پس می افزاید : و در آن جا از جامهایی سیراب می شوند که لبریز از شراب طهوری آمیخته با زنجبیل است (و یسقون فیها کاساً وکان مزاجها زنجبیل)

بسیاری از مفسران تصریح کرده اند که عرب جاهلی از شراب هایی که آمیخته با زنجبیل بود لذت می برد زیرا که تندی مخصوصی به شراب می داد، قرآن در این جا از جامهایی سخن می گوید که شراب طهورش با زنجبیل آمیخته است، ولی بدیهی است میان این شراب و آن شراب تفاوت از دنیا تا آخرت است

(آیه ۱۸) پس می افزاید این جام ها از چشمه ای در بهشت که نامش سلسبیل است پر می شود (عیناً فیها تسمى سلسبیل)

(سلسبیل) نوشیدنی بسیار لذیذی را می گویند که به راحتی در دهان و گلو جاری می شود و کاملاً گوارا است

(آیه ۱۹) پس از پذیرائی کنندگان این بزم پر سرور که در جواب رحمت حق در بهشت برین بر پا می شود سخن به میان آورده می گوید: و بر گردنشان (برای پذیرائی)

نوجوانانی جاودانی می گردند که هر گاه آن ها را ببینی گمان می کنی مروارید پراکنده اند
(و يطوف عليهم ولدان مخلدون اذا رأيتهم حسبتهم لؤلؤ منثوراً)

هم خودشان در بهشت جاودانی هستند و هم طراوت و زیبایی و نشاط جوانی آن ها
جاودانی است و هم پذیرائی کردن آنان

تعبیر به (لؤلؤ منثوراً) مروارید پراکنده اشاره ای است به زیبایی و صفا و درخشندگی و
جذابیت آن ها و هم حضورشان در همه جای این بزم الهی و روحانی

(آیه ۲۰) و از آن جا که نعمت های جهان دیگر به وصف نمی آید - هر قدر الفاظ گویا و

رسانا باشد - در این آیه به صورت سربسته می افزاید: هنگامی که آن جا را می بینی نعمتها و
ملک عظیمی را می بینی (و اذا رأيت ثم رأيت نعيماً ملكاً كبيراً)

(آیه ۲۱) تا این جا بر قسمتی از نعمت های بهشتی از قبیل مساکین و تحت ها و سایه ها و

میوه ها و نوشیدنی ها و ظرفها و گروه پذیرایی کنندگان اشاره شده. اکنون نوبت وسایل

تزئینی بهشتیان است. می فرماید: بر اندام آن ها لباس هایی است حریر نازک سبز رنگ و از

دنیای ضخیم (عاليهم ثياب سنوسٍ خضرٍ واستبرق)

پس می افزاند: و با وستبره هایی از نقره آراسته اند (و حلوا اساور من فضه)

نقره هایی شفاف که هم چون بلور می درخشد و از یاقوت و در و مروارید زیباتر است

و سرانجام در پایان آیه به عنوان آخرین و مهم ترین نعمت از این سلسله نعمت ها می فرماید :

و پروردگارشان شراب طهور به آنان می نوشاند (و تسقیهم ربهم شراباً و طهوراً)

در حدیثی از رسول خدا (ص) نقل شده که این شراب قلب و جان آن ها را از همه چیز جز خداوند پاک می کند و از حدیثی از رسول خدا (ص) نقل شده استفاده می شود که چشمه شراب طهور بر در بهشت قرار دارد: جرعه ای از این شراب طهور به آن ها داده می شود و خدا به وسیله ی آن قلوب آن ها را از حد دو هر گونه صفات (پله) پاک می سازد

(آیه ۲۲) در این آیه آخرین سخن را از این زمینه بیان کرده می فرماید: از سوی خدا به آن ها گفته می شود. این پاداش شماسست و سعی و تلاش شما در طریق اطاعت فرمان حق مورد قدر دانی است (ان هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکوراً)

مبادا کسی تصور کند که این مواهب و پاداش های عظیم را بی حساب می دهند، این ها همه جزای سعی و عمل پاداش مجاهدتها و خود سازیها و چشم پوشی از گناه است.

(آیه ۲۳) پنج سوره مهم برای موفقیت در اجرای حکم خدا

آیات این سوره از آغاز تاکنون در باره ی خلقت انسان و سپس معاد و رستخیز او سخن می گفت، در این جا وی روی سخن پیامبر (ص) کرده، دستورات مؤکدی برای هدایت انسان ها و صبر و مقاومت در این راه به او می دهد و درود؟؟ این آیات راه وصول به آن همه نعمت های بی مانند را نشان داده است که تنها از طریق تمسک به قرآن و پیروی از رهبری

چون پیامبر اسلام (ص) و الهام گرفتن از دستورات او امکان پذیر است نخست می فرماید: مسلماً ما قرآن را بر تو نازل کردیم (انا نحن نزلنا عليك القرآن تنزیلاً)

(آیه ۲۴) سپس پنج دستور مهم به پیامبر اسلام (ص) می دهد که نخستین آن دعوت به صبر و استقامت است می فرماید: پس در تبلیغ و اجرای حکم پروردگارت شکبیا و با استقامت باش (فاصبر لحکم ربک)

از مشکلات و موانع راه کثرت دشمنان و سر سختی آن ها ترس و هراسی به خود راه مده و هم چنان به پیش حرکت کن. در دومین دستور پیامبر (ص) را از هر گونه سازش با منحرفان بر خور داشته می گوید: و از هیچ گنه کار یا کافری از آنان اطاعت مکن (ولا تطع منهم أثماً و کفوراً)

در حقیقت این حکم دوم تأکیدی است بر حکم اول چرا که جمعیت دشمنان تلاش می کردند که از طریق مختلف پیامبر (ص) در مسیر باطل به سازش بکشاند چنان که نقل شده عتبه بن ربیع و ولید بن مغیره به پیامبر (ص) می گفتند: از دعوت خود باز گرد، ما آن قدر ثروت در اختیار تو می گذاریم که راضی شوی، و زیباترین دختران عرب را به همسری تو در می آوریم و پیشنهاد های دیگری از این قبیل و پیامبر (ص) به عنوان یک رهبر بزرگ راستین باید در برابر این وسوسه های شیطانی یا تهدیداتی که بعد بی اثر ماندن این تصمیمات عنوان می شود، صبر و استقامت به خرج دهد، نه تسلیم گردد و نه تهدید

(آیه ۲۵) ولی از آن جا که صبر و استقامت در برابر هجوم این مشکلات عظیم کار آسانی نیست و پیمودن این راه دو توشه خاصی لازم دارد، در این آیه می افزاید: و نام پروردگارت را هر صبح وشام به یاد آور (واذکر اسم ربک بکره و اصیلاً)

(آیه ۲۶) در شبانگاه برای او سجده کن و مقدار طولانی از شب او را تسبیح گوی (و من الیل فاسجد له و سبحه لیلاً طویلاً)

تا در سایه ی آن ذکر و این سجده نیروی لازم و قدرت معنوی و پشتوانه ی کافی برای مبارزه با مشکلات این راه فراهم سازی.

دو آیه ی فوق در حقیقت بیان گر لزوم توجه شبانه روزی و مستمر به ذات مقدس پروردگار است در این جا باید به این نکته توجه داشت که دستورهای پنج گانه آیات فوق گر چه به صورت برنامه ای برای پیامبر (ص) ذکر شده ولی در حقیقت سر مشقی است برای همه کسانی که در مسیر رهبری معنوی و انسانی جامعه بشری گام

آن ها باید بدانند بعد از اطمینان و ایمان کامل به هدف و رسالتی که دارند لازم است صبر و استقامت پیشه کنند و از انبوه مشکلات راه ، وحشت نداشته باشند و در مرجعه ی؟؟ باید در برابر وسوسه های شیاطینی که مصدق آثم و کفورند و با انواع حیل و تزویر سعی در منحرف ساختن رهبران و پیشوایان می کنند تا رسالت آن ها عقیم ماند، با کمال قدرت مقاومت کنند، نه فریب تطمیع را بخورند و نه واهمه ای از تهدید بر خود راه دهند.

و در تمام مراحل برای کسب قدرت روحی، و نیروی اراده، عزم را سنجید و تصمیم آهین، هر صبح وشام به یاد خدا باشند، و پیشانی را بر درگاهش بسایند، مخصوصاً از عبادت های شبانه و راز و نیاز با او مدد گیرند که اگر این امور رعایت شود پیروزی حتمی است و اگر در پاره ای از مراحل مصیبت و شکستگی رخ دهد در پر تو این اصول می توان آن ها را جبران کرد، برنامه ی زندگی پیامبر (ص) و دعوت و رسالت او سر مشق مؤثری برای رهروان این راه است

(آیه ۲۷) این یک هشدار است، و انتخاب راه با شماست!

در آیات گذشته به پیامبر (ص) هشدار داده شده که تحت تأثیر افراد (آثم) و کفور (مجرم و کافر) هرگز واقع نشود.

در این جا معرفی بیشتری از آن ها کرده، می گوید: آن ها زندگی زود گذر دنیا را دوست دارند، در حالی که روز سختی را در پشت سر خود رها می کنند و نادیده می گیرند

(ان هؤلاء یحبون العاجله و یزرون وراهم یوماً ثقیلاً)

سنگین از نظر محاسبه، از نظر طول زمان و فضاقت و رسوایی.

افق افکار آن ها از خور و خواب و شهوت فراتر نمی رود و آخرین نقطه ی دید آن ها همین لذاذ بی قید و شرط مادی است و عجیب این که می خواهند روح بزرگ پیامبران (ص) را

نیز با همین مقیاس سنجید

(آیه ۲۸) در این آیه به آن ها هشدار می دهد که از نیرو و قدرت خود مغرور نشوند که این ها را همه خدا داده و هر زمان بخواهد به سرعت باز پس می گیرد.

می فرماید: ما آنها را آفریدیم ، و پیوند های وجودشان را محکم کردیم به آنها قوت و قدری بخشیدیم و هر زمان بخواهیم جای آن ها را به گروه دیگری می دهیم (نحن خلقنا هم و شدده اسرهم و اذا شئنا بدلنا امثالهم تبديلاً)

به راستی قرآن در این جا انگشت روی نقطه ی حساسی گذارده و آن پیوند های مختلف اجزای وجود بشر است از عصبهای کوچک و بزرگ که هم چون طناب های آهنین عضلات را به یکدیگر مربوط می سازد گرفته، تار باط هال و عضلات مختلف، آن چنان قطعات کوچک و بزرگ استخوان و گوشت های اندام انسان را با یکدیگر محکم بسته که از مجموع آن ها یک واحد کاملاً منسجم - که آماده ی انجام هر گونه فعالیتی است - ساخته، اما روی هم رفته این جعبه کنایه از قدرت و قوت است.

این آیه در ضمن عناوین بی نیازی ذات پاک خدا راه از آن ها، و از اطاعت و ایمانشان، روشن می سازد تا بدانند اگر اصراری برای ایمان آنهاست در حقیقت لطف و رحمتی است که از ناحیه پروردگار.

(آیه ۲۹) سپس به کل بحث هایی که در این سوره آمده است - که مجموعاً یک برنامه ریزی جامع سعادت را ارائه می دهد - اشاره کرده می گوید: این یک تذکره و یاد آوری

است، و هر کس بخواهد با استفاده از آن راهی به سوی پروردگارش برمی گزیند (ان هذ
تذکره فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلاً)

وظیفه ما نشان دادن راه است نه اجبار بر انتخاب این شما هستید که باید با عقل و درک
خود، حق را از باطل تشخیص دهید، و با اراده و اختیار خود تصمیم بگیرید.

این در حقیقت تأکیدی است بر آن چه در آغاز سوره گذشت که فرموده ما راه را به او
نشان دادیم، خواه پذیرا شود و شکر این نعمت را به جا آورده یا روی گرداند و کفران کند.

(آیه ۳۰) و از آن جا که ممکن است افراد کوتاه فکر از تعبیر فوق نوعی تفویض و

واگذاری مطلق به بندگان تصور کنند، در این آیه برای نفی این توهم می افزاید: و شما هیچ

چیز را نمی خواهید مگر این که خدا بخواهد (و ما تشاؤون الا ان یشاء الله)

چرا که خدا دانا و حکیم بوده و هست (ان الله کان علیماً حکیماً)

و این در حقیقت اثبات اهل معرفت (الامر بین الامرین) است از یک سو می فرماید: خدا

راه را نشان داده و انتخاب با شماست و از سوی دیگر می افزاید انتخاب شما منوط به

مشیت الهی است یعنی، شما استقلال کامل ندارید بلکه قدرت و آزادی اراده شما همه به

خواست خدا و از ناحیه ی اوست و هر زمان اراده کند می تواند این آزادی را از شما طلب

کند.

به این ترتیب نه تفویض و واگذاری کامل است و نه اجبار و سلب اختیار، بلکه حقیقتی است دقیق و ظریف در میان این دو یا به تعبیر دیگر: نوعی آزادی وابسته به مشیت الهی است که هر لحظه بخواهد می تواند آن را باز پس گیرد تا هم بندگان بتوانند بار تکلیف و مسئولیت را که رمز تکامل آنهاست بر دوش گیرند و هم خود را بی نیاز از خدا تصور نکنند ذیل آیه که می فرماید: ان الله کان علیماً حکیماً نیز ممکن است اشاره به همین معنی باشد چرا که علم و حکمت خدا ایجاد می کند بندگان را در پیمودن راه تکامل آزاد بگذارند، و گرنه تکامل اجباری و تحمیلی تکامل نیست، به علاوه علم و حکمت او اجازه نمی دهد که افرادی را مجبور به کار خیر و افرادی را مجبور به کار شر کند و بعد گروه اول را پاداش دهد و گروه دوم را مجازات کند.

(آیه ۳۱) و سرانجام در آخرین آیه ی این سوره به سرنوشت نیکوکاران و بدکاران دریک جمله ی کوتاه و پرمعنا اشاره کرده ، می فرماید خدا هر کس را بخواهد و شایسته بداند در رحمتش وارد می کند و برای ظالمان عذاب دردناکی آماده ساخته است.

(یدخل من یشاء فی رحمته و الظالمین اعد لهم عذاباً الیماً)

جالب این که در آغاز آیه می گوید: هر کس که بخواهد در رحمت خود وارد می کند ولی در پایان آیه، عذاب را روی ظالمان متمرکز می سازد و این نشان می دهد که مشیت او بر عذاب به دنبال مشیت انسان بر ظلم و گناه است و به قرینه ی مقابله روشن می شود که مشیت

او در رحمت نیز به دنبال اراده ی انسان در ایمان و عمل صالح و اجرای عدل است و جز این

از حکیم نمی توان انتظار داشت .